

درس ۱۹ – تشکیل قرارداد (Formation of Contract) | متون حقوقی ۱

متن انگلیسی و ترجمه موازی

A contract is an **agreement** enforceable at **law**. However, while all **contracts** are **agreements**, not all **agreements** are **contracts**.

قرارداد، توافقی است که در قانون قابل اجراست. با این حال، اگرچه همه‌ی قراردادهای توافق‌اند، همه‌ی توافقاتها قرارداد نیستند.

An **offer** is a proposition put by one person (**offeror**) to another (**offeree**) with an indication that they are willing to be bound by its terms should the other person accept.

ایجاب، پیشنهادی است که یک شخص (ایجاب‌کننده) به دیگری (قبول‌کننده) ارائه می‌دهد، با این نشانه که در صورت پذیرش طرف مقابل، خود را ملزم به شروط آن می‌داند.

The proposition can be made **orally**, in writing or by conduct.

این پیشنهاد می‌تواند شفاهی، کتبی یا از طریق رفتار ابراز شود.

An **invitation to treat** is a proposition indicating a willingness to consider offers made by others or to enter into negotiations.

دعوت به معامله، پیشنهادی است که تمایل به بررسی پیشنهادهای دیگران یا ورود به مذاکره را نشان می‌دهد.

Once an **offer** has been made it will either be accepted or terminated. No offer remains open indefinitely.

همین که ایجابی ارائه شد، یا قبول می‌شود یا خاتمه می‌یابد. هیچ ایجابی برای همیشه باز نمی‌ماند.

Counter-offers ... are responses that seek to **vary** or amend the original offer.

ایجاب متقابل، پاسخی است که در پی تغییر یا اصلاح ایجاب اصلی است. (نکته: vary یعنی change)

Death of the **offeree terminates** the offer.

فوت قبول‌کننده، ایجاب را خاتمه می‌دهد.

Generally, to be effective, **acceptance** must be communicated to the offeror, i.e. actually brought to his attention.

به‌طور کلی، برای مؤثر بودن، قبول باید به ایجاب‌کننده ابلاغ شود؛ یعنی واقعاً به اطلاع او برسد.



The **postal rule** is the one significant **exception** to this general rule regarding communication of acceptance. Acceptance by post is effective (and therefore binding) as soon as it is **posted**.

قاعده‌ی پستی، تنها استثنای مهم بر این قاعده‌ی کلی درباره‌ی ابلاغ قبول است. قبول ارسال شده از طریق پست، به محض پست شدن نافذ (و لذا الزام آور) است.

Consideration transforms the agreement into a **bargain**.

عوض، توافق را به یک معامله تبدیل می‌کند.

Consideration must move from the **promisee** but need not move to the **promisor**.

عوض باید از سوی متعهدله حرکت کند، ولی لازم نیست به سوی متعهد برود.

Consideration must be **sufficient** but need not be **adequate**. Consideration must not be **past** — past consideration is no consideration.

عوض باید کافی باشد ولی لازم نیست متناسب باشد. عوض نباید گذشته باشد — عوض گذشته، عوض محسوب نمی‌شود.

The parties must have the legal **capacity** to enter into contractual relations.

طرفین باید اهلیت قانونی برای ورود به روابط قراردادی داشته باشند.

مقدمه

💡 قرارداد توافقی است که در قانون قابل اجراست. همه‌ی قراردادها توافق‌اند، اما همه‌ی توافق‌ها قرارداد نیستند: ایجاب + توافق (معامله) + عوض + قصد + اهلیت = قرارداد.

A contract is an agreement enforceable at law. All contracts are agreements, not all agreements are contracts.

ایجاب (Offer)

- ✓ ایجاب پیشنهادی است که یک شخص («ایجاب‌کننده») به شخص دیگر («قبول‌کننده») ارائه می‌دهد، همراه با این نشانه که در صورت پذیرش طرف مقابل، خود را ملزم به شروط آن می‌داند.
- ✓ این پیشنهاد می‌تواند شفاهی، کتبی یا از طریق رفتار باشد و می‌تواند خطاب به شخصی معین، گروهی خاص یا عموم مردم ابراز شود.
- ✓ برای اینکه چیزی «ایجاب» محسوب شود، باید روشن، دقیق و به همان شکلی که ارائه شده، قابل قبول باشد.



دعوت به معامله (Invitation to Treat)

- ✓ دعوت به معامله، پیشنهادی است که تمایل به بررسی پیشنهادهای دیگران یا ورود به مذاکره را نشان می‌دهد؛ ایجاب پس از قبول الزام‌آور می‌شود ولی دعوت به معامله چنین نیست.
- ✓ دو نمونه‌ی رایج: نمایش کالا برای فروش (چه در ویتترین و چه داخل فروشگاه) و آگهی‌های تبلیغاتی – در هر دو حالت فروشنده در حال ایجاب فروش نیست، بلکه مشتری را به ارائه‌ی ایجاب برای خرید دعوت می‌کند.
- ✓ آگهی می‌تواند در صورتی که مبنای یک قرارداد یک‌طرفه باشد، خودش ایجاب محسوب شود.

دقت کنید: نمایش کالا در ویتترین یا آگهی تبلیغاتی، از نظر عرفی «پیشنهاد فروش» به‌نظر می‌رسد، اما از نظر حقوقی صرفاً «دعوت به معامله» است – این رایج‌ترین دام آزمون در این بخش است.

ختم ایجاب (Termination of Offer)

- **رجوع (Revocation):** ایجاب‌کننده می‌تواند تا پیش از قبول از ایجاب خود عدول کند، حتی اگر گفته باشد برای مدت معینی باز می‌ماند؛ رجوع باید به قبول‌کننده ابلاغ شود و قاعده‌ی پستی شامل نامه‌های رجوع نمی‌شود.
- **رد (Rejection):** رد فوری ایجاب را از بین می‌برد؛ شامل رد صریح و «ایجاب متقابل» (Counter-offer) است، ولی صرف استعلام یا درخواست اطلاعات بیشتر، ایجاب متقابل محسوب نمی‌شود.
- **انقضای مهلت (Lapse of Time):** در صورت تعیین مهلت، ایجاب با پایان آن منقضی می‌شود؛ در غیر این‌صورت پس از «مدت زمان معقول» منقضی می‌گردد.
- **عدم تحقق شرط (Failure of Condition):** اگر ایجاب مشروط باشد و شرط محقق نشود، ایجاب منقضی می‌شود.
- **فوت یکی از طرفین:** فوت قبول‌کننده بدون قید و شرط ایجاب را خاتمه می‌دهد؛ فوت ایجاب‌کننده تنها در صورت اطلاع قبول‌کننده پیش از قبول، ایجاب را خاتمه می‌دهد.

قبول (Acceptance) و قاعده پستی (The Postal Rule)

- ✓ قاعده‌ی کلی این است که قبول باید دقیقاً منطبق با شروط ایجاب باشد؛ پاسخی که بخواهد شروط را تغییر دهد، «ایجاب متقابل» است نه قبول.
- ✓ برای مؤثر بودن قبول، باید به ایجاب‌کننده ابلاغ شود – یعنی واقعاً به اطلاع او برسد.

💡 قاعده‌ی پستی تنها استثنای مهم بر قاعده‌ی ابلاغ قبول است: قبولی که با نامه‌ی پستی ارسال شود، از همان لحظه‌ی پست‌شدن نافذ است – حتی اگر نامه دیر برسد یا گم شود.

The postal rule is the one significant exception to this general rule regarding communication of acceptance. Acceptance by post is effective as soon as it is posted

- ✓ این قاعده فقط در دو حالت اعمال می‌شود: ایجاب‌کننده صراحتاً روش پستی را مشخص کرده باشد، یا ارتباط پستی با توجه به شرایط معقول باشد.
- ✓ این قاعده به وسایل ارتباطی غیرآنی مشابه (مثل تلگراف) هم تسری می‌یابد، ولی شامل ارتباطات آنی (تلكس و فکس) نمی‌شود.

عوض (Consideration)

💡 عوض، توافق را به یک «معامله» تبدیل می‌کند: آنچه یک طرف در ازای عمل یا وعده‌ی طرف دیگر انجام می‌دهد (عوض انجام‌شده) یا وعده‌ی انجامش را می‌دهد (عوض تعهدی).

- ✓ باید ضرر برای متعهدله یا نفع برای متعهد باشد (معمولاً هر دو).
- ✓ باید از سوی متعهدله حرکت کند، ولی لازم نیست به‌سوی متعهد برود (قاعده‌ی نسبیت قرارداد).
- ✓ باید کافی باشد ولی لازم نیست متناسب با ارزش مقابل باشد.
- ✓ نباید گذشته باشد؛ عوض گذشته، عوض محسوب نمی‌شود.

⚠ **نکته مهم:** «کافی بودن» عوض با «متناسب بودن» آن فرق دارد – قانون فقط به وجود عوض کار دارد، نه به ارزش برابر آن؛ این تمایز یکی از پرتکرارترین سوالات این بخش است.

استاپل وعده‌ای، قرارداد یک‌طرفه، قصد و اهلیت

- ✓ **استاپل وعده‌ای:** در شرایط خاص، دادگاه می‌تواند حتی بدون وجود عوض، متعهد را از عدول از وعده‌اش منع کند، اگر متعهدله بر اساس آن وعده عمل کرده باشد.
- ✓ **قرارداد یک‌طرفه:** قراردادی که در آن یک طرف ایجاب مشروطی می‌دهد (مثل وعده‌ی جایزه)؛ قبول از لحظه‌ای که کسی شروع به انجام شرط می‌کند، مؤثر می‌شود.
- ✓ **قصد ایجاد رابطه حقوقی:** در توافقات اجتماعی و خانوادگی، فرض بر عدم قصد است؛ در توافقات تجاری، فرض بر وجود قصد است. هر دو فرض قابل رد با دلیل خلاف هستند.
- ✓ **اهلیت:** طرفین باید اهلیت قانونی داشته باشند. صغار (زیر ۱۸ سال) سه دسته قرارداد دارند: معتبر (ضروریات و استخدام سودمند)، قابل فسخ (املاک، سهام، مشارکت)، و باطل (کالای غیرضروری و وام).



فارسی	English
قرارداد	Contract
توافق	Agreement
قابل اجرا در قانون	Enforceable at law
معامله	Bargain
ایجاب	Offer
ایجاب کننده	Offeror
قبول کننده	Offeree
پیشنهاد	Proposition
ملزم بودن به شروط آن	To be bound by its terms
شفاهاً	Orally
کتباً	In writing
از طریق رفتار	By conduct
عموم مردم	The world at large
روشن و دقیق	Clear and precise
دعوت به معامله	Invitation to treat
مذاکرات	Negotiations
الزام آور	Binding
نمایش کالا	Displays of goods
ویترین مغازه	Shop window
آگهی تبلیغاتی	Advertisement
ختم ایجاب	Termination of offer
رجوع از ایجاب	Revocation





عدول کردن	To revoke
پیش از قبول	Prior to acceptance
اختیار معامله	Option
ابلاغ شدن	To be communicated
رد ایجاب	Rejection
ایجاب متقابل	Counter-offer
تغییر دادن	To vary
اصلاح کردن	To amend
صرف استعلام	Mere enquiries
انقضای مهلت	Lapse of time
مدت زمان معقول	Reasonable time
عدم تحقق شرط	Failure of condition
فوت طرفین	Death of the parties
اطلاع / آگاهی	Notice
نمایندگان شخصی	Personal representatives
خدمات شخصی	Personal services
قبول	Acceptance
دقیقاً منطبق بودن	To exactly match
قاعده پستی	The postal rule
پست شدن	To be posted
تأخیریافته یا مفقود	Delayed or lost
قابل تحویل	Capable of delivery
ارتباط غیرآنی	Non-instantaneous communication





عدم قطعیت	Uncertainty
مبهم	Vague
عرف و رویه تجاری	Commercial custom and practice
عوض	Consideration
عوض انجام شده	Executed consideration
عوض تعهدی	Executory consideration
ضرر	Detriment
نفع	Benefit
متعهد	Promisor
متعهدله	Promisee
نسبیت قرارداد	Privity of contract
شخص ثالث	Third party
کافی	Sufficient
متناسب / برابر ارزش	Adequate
عوض گذشته	Past consideration
تعهد موجود	Existing duty
اجبار اقتصادی	Economic duress
پرداخت جزئی	Part-payment
بستانکار	Creditor
بدهکار	Debtor
قرارداد تسویه جمعی	Composition agreement
استاپل وعده‌ای	Promissory estoppel
دکترین انصافی	Equitable doctrine





منع کردن / جلوگیری کردن	To estop
قرارداد یک طرفه	Unilateral contract
ایجاب مشروط	Conditional offer
جایزه	Reward
صرف نظر کردن	To waive
اجرای جزئی	Partial performance
اجرای کامل	Full performance
قصد ایجاد رابطه حقوقی	Contractual intention
تعهدات قانونی	Legal obligations
فرض قانونی	Presumption
توافقات اجتماعی و خانوادگی	Social and domestic agreements
توافقات تجاری و بازرگانی	Business and commercial agreements
رد شدن (فرض)	To be rebutted
شرط شرافتی	Honour clause
اهلیت قراردادی	Contractual capacity
مبتلایان به اختلال روانی	The mentally disordered
مستان	Drunkards
صغیر	Minor
ضروریات	Necessaries
معتبر / نافذ	Valid
قابل فسخ	Voidable
باطل	Void
قرارداد کارآموزی	Contract of apprenticeship





قرارداد استخدام سودمند	Beneficial contract of employment
اجاره	Lease
مشارکت	Partnership
ضمانت	Guarantee
قرارداد وام	Contract of loan

✓ توجه: این فایل رایگان نیست و منحصر برای سایت "بژیک" با آدرس اینترنتی www.bzhik.ir تهیه و تنظیم شده است. تمام حقوق مادی و معنوی این محصول، متعلق به سایت "بژیک" می باشد؛ هر گونه کپی برداری و انتشار غیرقانونی آن توسط افراد سودجو، بدون اخطار قبلی، پیگرد قانونی در پی خواهد داشت؛ لذا بایستی مستقیماً از این سایت خریداری شود.

تست های تمرینی با پاسخ تشریحی

۱. A contract is an enforceable at law .

الف) acceptance (ب) intention (ج) bargain (د) agreement ✓

چرا د درست است: تعریف پایه‌ی درس دقیقاً همین جمله است. چرا بقیه غلطاند: acceptance و intention هرکدام فقط یکی از ارکان قرارداد هستند نه کل تعریف؛ bargain نتیجه‌ی وجود عوض است نه مترادف قرارداد.

۲. is the one significant exception to this general rule regarding communication of acceptance.

الف) legal terms (ب) the postal rule ✓ (ج) legal personality (د) promissory note

چرا ب درست است: متن صراحتاً می‌گوید قاعده پستی تنها استثنای مهم بر قاعده‌ی ابلاغ قبول است. سه گزینه دیگر اصطلاحات نامرتب‌ی هستند که برای منحرف کردن ذهن آورده شده‌اند.

۳. Death of the offeree the offer .

الف) initiates (ب) terminates ✓ (ج) improves (د) makes

چرا ب درست است: فوت قبول کننده بدون قید و شرط ایجاب را خاتمه می‌دهد، بر خلاف فوت ایجاب کننده که مشروط است.

۴. The parties must have the legal to enter into contractual relations .

الف) agreement (ب) promissory (ج) capacity ✓ (د) intention



چرا ج درست است: این جمله عیناً از بخش «اهلیت» متن آمده و به‌طور مستقیم توانایی قانونی طرفین برای ورود به رابطه‌ی حقوقی را توصیف می‌کند.

۵. Once an have been made it will either be accepted or terminated

الف) acceptance ب) capacity ج) offer ✓ د) intention

چرا ج درست است: این جمله‌ی آغازین بخش «ختم ایجاب» است – ایجاب یا قبول می‌شود یا خاتمه می‌یابد.